



# نگرشی به ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی از قرآن کریم

دکتر سید عبدالوهاب طالقانی

معلوم نیست چرا در ترجمه کلام حق از شیوه جذاب و نمکین خود استفاده نکرده و شیوه‌ای را در ترجمه بیشتر آیات دنبال کرده‌اند که به حقیقت باید گفت ترجمه دیگری برای این ترجمه ضرورت دارد تا فارسی‌زبان‌ها حتی طبقه تحصیل‌کرده دانشگاهی و حوزوی بفهمند مقصود چیست؟ و مراد کدام است؟

اشکالات عمده ترجمه استاد بزرگوار جناب آقای دکتر ابوالقاسم امامی در هفت مورد به این شرح یادآوری می‌شود:

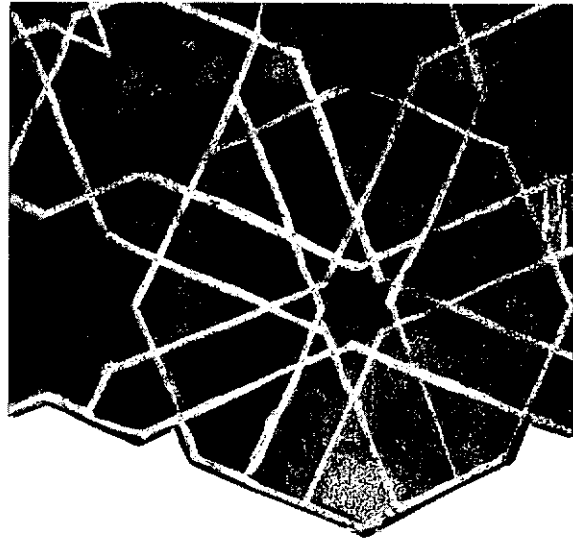
الف. از لغات سره که قابل فهم عمومی نیست استفاده شده است

- به عنوان نمونه به ترجمه این آیات بنگرید:
۱. «**أَنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا**» (طارق: ۱۵:۸۶-۱۶) آنان سگالشی کنند و من سگالشی کنم.
  ۲. «**سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا**» (نوره: ۱:۲۴) سوره‌ای است که فرو فرستاده‌ایم‌اش و بیایانده‌ایم‌اش.

در شماره ۶ میراث جاویدان، نقدی بسیار عالمانه و محققانه از فاضل ارجمند جناب آقای محمدعلی کوشا به چاپ رسیده است اما این جانب نکات دیگری را یادآور می‌شود، امید آنکه دیگر مترجمان عزیز، به هنگام ترجمه آنها را ملحوظ دارند.

مترجم بزرگوار با آنکه خود در پایان ترجمه تحت عنوان «سخنی پیرامون این ترجمه» نثر زیبایی فارسی آمیخته با اصطلاحات عربی متداول را به کار برده‌اند و مطلع سخن را چنین آغاز کرده‌اند:

قرآن کریم نه شعر است نه نثر، کلامی است بی‌همتای آهنگی زیباتر از شعر دارد و زبانی رساتر از نثر، شیوه‌ای است برتر در بازنمود راستی و راه، که همین خود از وجوه اعجاز آن شمرده می‌شود. مسلمان پارسی‌زبان که خود گیرنده این پیام نیز هست اگر تازی نداند و بلاغت قرآن را خود نیازموده باشد، ناگزیر حکایت این شیوایی و این گیرایی را از دیگران می‌شنود و شیرینی سخن خدا را نه به ذائقه خویش که به ذائقه عالمان بلاغت می‌چشد.



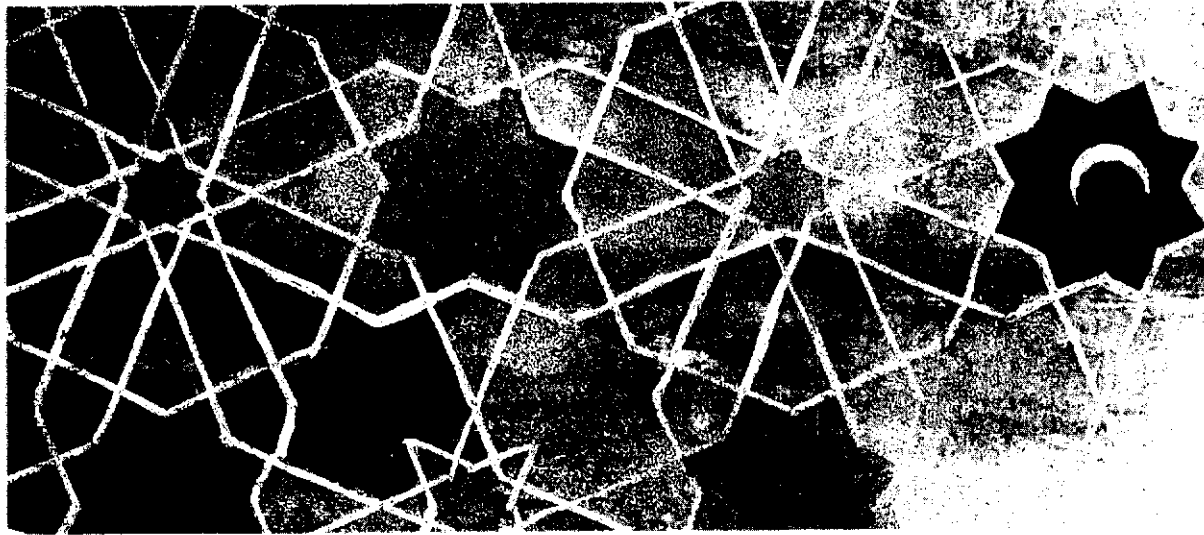
بر شما دوست دارد.

۲۳. ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ، فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ، فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ﴾ (بقره: ۲؛ از آیه ۲۵۶) در کار دین هیچ واداشت نیست، هر کس به سرکشان نیاورد شود، چنگ به دستگیره استوار انداخته است.
۲۴. ﴿رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ﴾ (بقره: ۲۵۸) خدای من آن کس است که زباند و میراند.
۲۵. ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ (انفال: ۳۶:۸) آنان را که سر برافته‌اند به سوی دوزخ گرد کنند.
۲۶. ﴿وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرُ، وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقَرٌّ﴾ (قدر: ۳۷:۵۴ و ۳۸) میهمان او را از او می‌کامستند و ما چشم از چهرشان بی‌نشان ساختیم پس بچشید خشم من و بیم‌داد من. بامدادان خشمی دیرپای آهنگ کردشان.
- این ترجمه را با ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی مقایسه کنید، دیگر مترجمان عصر حاضر نیز بسیار شیوا ترجمه کرده‌اند.
۲۷. ﴿وَلَا صَلْبَتْكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (شعرا: ۴۹:۲۶) همه‌تان را بر چلیپ کنم، ﴿ثُمَّ لَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (اعراف: ۱۲۴:۷) و آن‌گاه همه‌تان را بر چلیپ کنم.
۲۸. ﴿وَأَمْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ (مائده: ۶:۵) سرهاتان و پاهاتان را تا دو پزول دست کشید (فوزک پا).
۲۹. ﴿أَوَلَمْ نَسْتَمِ الْأُنثَىٰ﴾ (مائده: ۶:۵) و یا تن به تن زنان سوده باشید.
۳۰. ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ (حجر: ۸۷:۱۵) ما به تو هفت دوگان را و قرآن بزرگ را داده‌ایم.
۳۱. ﴿وَفَصَّلَتِ اللَّيْلُ تُؤْوِيهِ﴾ (معارج: ۱۳:۷۰) و به دوده‌اش که جای دهداش.
- این ترجمه را با ترجمه دیگران مقایسه کنید.

۳. ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ﴾ (قصص: ۸۵:۲۸) آن که قرآن را بر تو بیایانیده است.
۴. ﴿قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَجَلَّةَ أَيْمَانِكُمْ﴾ (تحریم: ۲:۶۶) خداوند گشودن سوگندتان را بر شما بیایانیده است.
۵. ﴿لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا﴾ (کهف: ۴۹:۱۸) از کوچک و بزرگ فرونهاده است و همه را بیایانیده است.
۶. ﴿لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا﴾ (مریم: ۹۴:۱۹) همه‌شان را بیایانیده است و برشمرده است.
۷. ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ﴾ (مؤمنون: ۱۰:۲۳ و ۱۱) و آنان ریگ‌براند که پردیس را به ریگ برند.
۸. ﴿إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ (مؤمنون: ۲۷:۲۳) که آنان میرنده در آیدند.
۹. ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (مؤمنون: ۳:۲۳) و آنان که از ژاژ روی گردانند.
۱۰. ﴿وَلْيَسِّرُوا مَآءَ الْقَرْيِ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ (انعام: ۹۲:۶) تا مام شهر و بیرونش را بدان بیم دهی.
۱۱. ﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ﴾ (انعام: ۸۳:۶) این است آوندمان که به ابراهیم دادیم بر مردمش.
۱۲. ﴿إِنِّي آتَيْتُكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ (دخان: ۱۹:۴۴) من آوندی آشکارتان آرم.
۱۳. ﴿وَالَّذِي حَبِطَ لِأَيْخُرُجٍ إِلَّا نَكْدًا﴾ (اعراف: ۵۸:۷) و آن که پلید است گیاهش جز با زفتی نروید.
۱۴. ﴿وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ﴾ (یونس: ۵:۱۰) و آن را به فرود فرود اندازه نهاد تا چندی سالها و شمار را بدانید.
۱۵. ﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ﴾ (شعرا: ۱۸۹:۲۶) پس دروغ‌زن داشتندش و شکنجه روز میغ فروبرگرفتشان.
۱۶. ﴿كَأَنَّهُمْ بِيضٌ مَّكْنُونٌ﴾ (صافات: ۴۹:۳۷) که گویی خاگی پوشیده‌اند.
۱۷. ﴿وَوَعْرُضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا﴾ (کهف: ۴۸:۱۸) در برابر پروردگار تو، رج ایستند.
۱۸. ﴿وَوَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ (انعام: ۱۱۶:۶) و چیزی جز گره نگوبند.
۱۹. ﴿وَوَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾ (انعام: ۱۴۱:۶) و برخ آن به روز درو بگزایند.
۲۰. ﴿قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ﴾ (اعراف: ۱۵:۷) گفت: تو از درنگ‌دادگان‌ای.
۲۱. ﴿وَإِنْ يَأْتُوكُمُ أُسَارَىٰ تَفَادَوْهُمْ﴾ (بقره: ۸۵:۲) اگر به بند شما افتند برخی گیرند.
۲۲. ﴿وَلْيَسِّرْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ﴾ (مائده: ۶:۵) و نواخت‌اش را

۱. از او کساری زشت خواستند، ما نیز چشمانشان را کور گردانیدیم، پس بچشید عذاب و بیم دانه‌های مرا. هر آینه بامدادان عذابی پایدار به سروزقتشان آمد. (از ترجمه آیتی، ص ۵۳۱)

۲. و قبیله‌اش را که به او پناه می‌دهد. (از ترجمه فولادوند)



۱۱:۴) پس از گزاردن سفارشی که کرده یا وامی که داشته است.

شفاعت: ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ﴾ (مریم؛ ۱۹: ۸۷) میانجی ندارند.

عرش: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ (طه؛ ۲۰: ۵) خدای بخشاینده بر اورنگ است.

فریضه: ﴿فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ﴾ (نساء؛ ۱۱: ۴) بریده‌ای از خدای.

حق و باطل: ﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره؛ ۴۲: ۲) راست را با ناراست میامیزید و راست را پنهان نکنید با آنکه خود می‌دانید.

حلال و حرام: ﴿وَلِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ﴾ (آل عمران؛ ۵۰: ۳) و از آنچه بر شما روا داشته‌اند چیزی را روا نسازم.

هدایت: ﴿وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾ (طه؛ ۲۰: ۴۷) درود بر آن‌که راه نمود را پی‌گیرد.

مهاجر و انصار: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ﴾ (توبه؛ ۱۰۰: ۹) و پیشگامان و نخستینان از کوجندگان و یاران.

کفاره: ﴿كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينٍ﴾ (مائده؛ ۵: ۹۵) گنه‌پوشی سیر کردن چند درویش.

حواریون: ﴿قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾ (آل عمران؛ ۵۲: ۳) سپیددلان گفتند: ما یاران خداییم.

مشرک و مشرکه: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَ الزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَ حُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نور؛ ۳: ۲۴) مرد زناکار جز زن زناکار یا انبازگیر را جفت نشود، زن زناکار را جز مرد زناکار یا مرد انبازگیر به جفتی نگیرد، این از گرویدگان بازداشته شده است.

قصاص: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ﴾ (بقره؛ ۲: ۱۷۹)

ب. اصطلاحات شرعی، فقهی و دینی که مفهوم آن برای عموم مسلمانان فارسی‌زبان روشن است به گونه‌ای ترجمه شده که خواننده را سرگردان می‌کند

این‌گونه کلمات نیازی به ترجمه ندارند. از قبیل:

سجود و رکوع: ﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ (آل عمران؛ ۴۳: ۳) ای مریم، نیایش خدای خویش کن، روی بر خاک سای، و سر در برابرش فرود آور با فرودآوردگان.

تیمم: ﴿فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا﴾ (مائده؛ ۵: ۶) پس آهنگ خاک پاک کنید.

مسح: ﴿فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ مِنْهُ﴾ (مائده؛ ۵: ۶) و از آن به رویه‌ایتان و دست‌هایتان بکشید.

انفاق: ﴿وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ (بقره؛ ۲: ۳) و از آنچه روزیشان کردیم دهش می‌کنند.

اعتكاف: ﴿وَلَا تَبَاشِرُوهُمْ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ﴾ (بقره؛ ۲: ۱۸۷) و چون در مسجد به نیایش بست نشینید با زنان درمیامیزید.

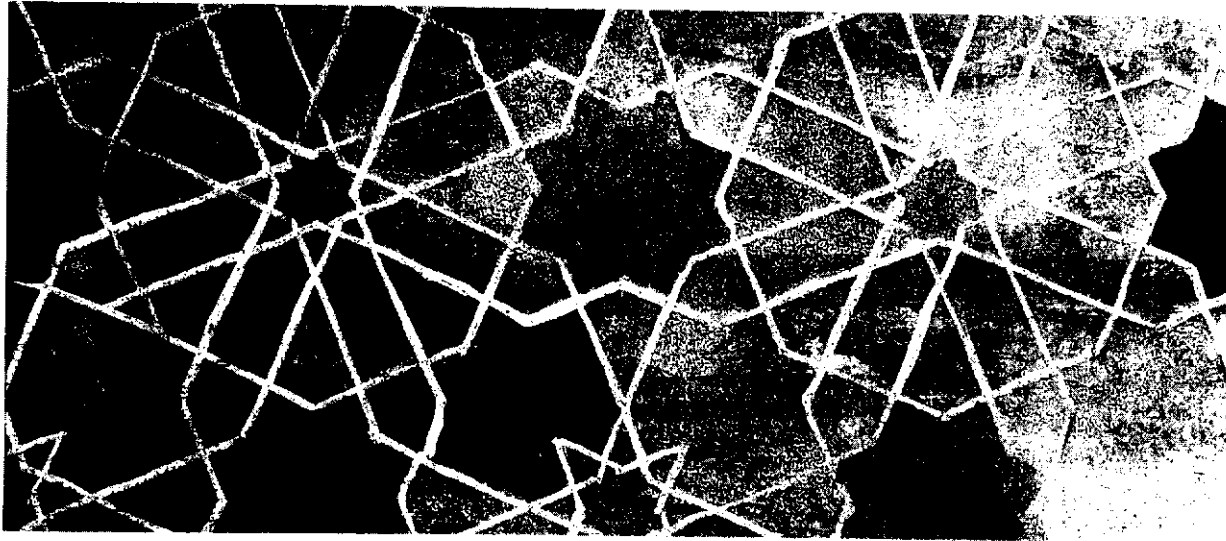
قربانی: ﴿وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ قَرَّبَا قُرْبَانًا﴾ (مائده؛ ۲۷: ۵) داستان دو پسر آدم را درست بر آنان برخوان، آن‌گاه که هر یک برخی‌ای بکشند. ﴿حَسْبِيَ يَأْتِينَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ﴾ (آل عمران؛ ۱۸۳: ۳) مگر برای ما برخی‌ای آرد که آتش‌اش بخورد.

ارث: ﴿فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَكَلْدٌ وَ وِرْثَةٌ أَبَوَاهُ فَلِأُمَّهِ الثَّلْثُ﴾ (نساء؛ ۱۱: ۴) لیک اگر فرزندی‌اش نباشد و پدر و مادر از او مرده‌ریگ برنند مادر راست یک سوم.

وصیت: ﴿مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ ذِينَ﴾ (نساء؛

۳. غیر از ایراد حلال و حرام، در اصل ترجمه نیز اشکال دیده می‌شود، دقت کنید.

بسیار مناسب می‌بینم، آنچه را که فاضل ارجمنند آقای محمدعلی کوشا بعد از نقد خود ذیل آیه آورده است، عیناً نقل شود: «ضمناً در عرف مردم حلال و حرام رائج‌تر و مفهوم‌تر از «روا» و «ناروا» است. هر چند مبنای مترجم محترم معادل قرار دادن واژه‌های سرة فارسی است، ولی در این‌گونه موارد چشم‌پوشی اولی است. چون مقصود این است که مردم بهتر معنی را بفهمند.»



۲. ﴿وَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ﴾

(توبه؛ ۱۰۰:۹) پیشگامان و نخستینان از کوچندگان و یاران.

اشکال:

در مورد اول کین توزی در شأن ذات اقدس کبریائی نیست. در مورد دوم اولاً: اصحاب به یاران و انصار نیز به یاران ترجمه شده است. دو کلمه با دو اشتقاق و با دو معنی و دو مفهوم متفاوت، نباید یکسان ترجمه شود. ثانیاً: «یاران فیل» ترجمه نامناسبی است. زیرا منظور از اصحاب الفیل، فیل سواران است نه یاران فیل.

د. برخی از آیات اشتباه ترجمه شده است

به عنوان مثال: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ﴾ (یونس؛ ۱۰:۱۰۴) بگو ای مردم، اگر از دین من در گمانید، من آنان را که جز خدای پرستند نپرستم خدای را پرستید که می میراندتان.

سه اشتباه در این ترجمه دیده می شود:

الف. «الَّذِينَ» مفعول «فلا اعبد» است و مراد معبودان مشرکان می باشد.

ب. «تعبدون» مخاطب است نه مغایب و «اعبد» متکلم و حده مضارع است نه فعل امر.

ج. «یتوفاکم» به معنی میراندن نیست بلکه «یمیت» به معنی میراندن می باشد.

۲. ﴿يَوْمَ تُبَلَى السَّارِئِرِ﴾ (طارق؛ ۹:۸۶) آن روز که رازها بیازمایند.

اشکال: گویا استاد محترم «تبلی» را مجهول از باب افتعال (ابتلاء) دانسته اند که به اشتباه افتاده اند. مسلماً راز آشکارشدنی است نه آزمودنی.

در توختن برای شما زندگی است.

دنیا: ﴿اعْلَمُوا إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ﴾ (حدید؛ ۲۰:۵۷) بدانید که زندگی فرودین بازیچه و سرگرمی است.

اهل البیت: ﴿أَلَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ لَبِيبًا أَلَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ نَبِيًّا﴾ (احزاب؛ ۳۳:۳۳) خداوند جز این نخواهد که پلیدی را از شما خانگیان ببرد.

حشر: ﴿ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾ (ق؛ ۴۴:۵۰) این گردکردنی است که بر ما آسان است.

ج. در ترجمه آیات، از برخی واژه‌ها استفاده شده که در شأن قرآن و ذات ربوبی نیست و در برخی موارد از واژه‌هایی استفاده شده که با مفهوم واقعی کلمه هم‌آهنگ نیست

برای مورد اول به آیات زیر بنگرید:

۱. ﴿إِنَّا مُتَّقِمُونَ﴾ (دخان؛ ۱۶:۴۴) ما کین توزانیم. ۴. ﴿وَ مَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ (مائده؛ ۹۵:۵) و هر که بدان بازگردد خداوند کین از او بتوزد چه خداوند سختگیر و کین توز است. ۵.

۲. ﴿وَ أَمْلِي لَهُمْ إِن كِيدِي يَتَّبِعُونَ﴾ (قلم؛ ۴۵:۶۸) و به آنان درنگ دهم که نیرنگ من استوار است.

آیا استعمال لغت نیرنگ بهتر است یا ترجمه دیگر مترجمان عزیز؟

نمونه‌هایی از آیات مورد دوم:

۱. ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾ (فیل؛ ۱۰۵:۱) آیا ندیده‌ای که پروردگارت با یاران فیل چه کرد؟

﴿أَلَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ﴾ (مدثر؛ ۳۹:۷۴) مگر یاران شگون.

﴿أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ (حج؛ ۵۱:۲۲) آنان یاران دوزخند.

۴. ترجمه خرمشاهی: آن‌گاه مادداستانم.

۵. ترجمه خرمشاهی: ولی هر کس که بازگردد، خداوند از او انتقام می‌گیرد و خداوند پروزمند دادستان است.

۶. و مهلنشان می‌دهم زیرا تدبیر من سخت استوار است. (فولادوند - خرمشاهی)

۳. ﴿وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾ (مؤمنون؛ ۱۷:۲۳) ما از آفرینش سرگرم نبوده‌ایم.  
 ۴. ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ (بقره؛ ۲:۲۵۵) خدای، خدایی جز او نباشد زنده بیدار (به جای «بایدار»، «بیدار» چاپ شده است).

۵. ﴿رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾ (غافر؛ ۱۵:۴۰) بلندپایه خداوند اورنگ، که وحی را به فرمان خویش بر بندگانش هر که بخواهد فرستد.

۶. ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ (یوسف؛ ۴:۱۲) من یازده ستاره و خورشید و ماه را به خواب دیده‌ام، دیده‌ام‌شان که برای من چهره بر خاک سایند.

۷. ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ﴾ (حجر؛ ۱۵:۳۰) فرشتگان همه‌شان روی بر خاک نهادند.

۷. ﴿وَأَسْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمِ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ﴾ (بقره؛ ۲:۹۳) از ناباوریشان دل‌هاشان را آب به دوستی گوساله داده‌اند.

۲:۲۱۵) از تو می‌پرسند چه چیزی دهش کنند بگو: هر نیکی که دهش کنند.  
 ﴿الَّذِينَ يَخُفُّونَ أَلْفًا مَرَّةً يَوْمَ تَدْعُ السَّمْعَاءُ إِلَى الْعَذَابِ بِأَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتُهَا﴾ (حجر؛ ۱۵:۲۵) پروردگار تو خودگردشان کند.  
 ب. ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ (ق؛ ۵۰:۲۱) هر تنی آید و با وی راننده‌ای و گواهی است.  
 ج. ﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِم مَحِيطٌ﴾ (معارج؛ ۸۵:۲۰) و خداوند از پس سرشان آگاه است.  
 د. ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي النُّفُورِ﴾ (مدثر؛ ۷۴:۸) و آن گاه که در شاخ دمند.

و. انتخاب برخی از واژه‌ها گویای مفهوم وسیع و متعالی آیه نیست

برای مثال: الف. ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ﴾ (حجر؛ ۱۵:۲۵) پروردگار تو خودگردشان کند.  
 ب. ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ (ق؛ ۵۰:۲۱) هر تنی آید و با وی راننده‌ای و گواهی است.  
 ج. ﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِم مَحِيطٌ﴾ (معارج؛ ۸۵:۲۰) و خداوند از پس سرشان آگاه است.  
 د. ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي النُّفُورِ﴾ (مدثر؛ ۷۴:۸) و آن گاه که در شاخ دمند.

۷. در قرآن کریم هر کجا «بامره» دیده شود به معنی «به فرمان او» می‌باشد اما «من امره» یعنی روح از مقوله امر حق تعالی است نه از مقوله خلق، اگر مترجم بزرگوار به تفاسیر مراجعه فرمایند، از اشتباهاتی که در ترجمه آیه آمده، مطلع خواهند شد.

۸. سجده برای انسان‌های مادی سر و روی بر خاک نهادن است، اما برای فرشتگان غیرمادی و خورشید و ماه و ستاره روی بر خاک نهادن صحیح نیست در این گونه موارد باید از معنی لغوی سجده به معنی تذلل، خشوع و فروتنی استفاده نمود.

۹. روح که به معانی مختلف به کار رفته و مقصود در هر مورد غیر مورد دیگر است، همه یکسان ترجمه شده است (روان- روان استوار- روان پاک) در حالی که مقصود از «روح القُدس» و «روح الامین»، جبرئیل است و مقصود از «الروح» در سوره معارج، فرشته عظیم و بزرگوار الهی است که مقامش از ملائکه مذکور در آیات قرآن و حتی جبرئیل برتر و بالاتر است، به دلیل روایات موجود، و مقصود از «روح» در سوره حجر، روح مخلوق در انسان است.

ه. برخی از لغات با وجود اختلاف در ریشه و اشتقاق و معنی، یکسان ترجمه شده است

برای مثال:

۱. ﴿وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾ (تکویر؛ ۸۱:۲) و آن گاه که ستارگان بپراکنند.

۲. ﴿وَإِذَا الْكُوَكِبُ انْتَثَرَتْ﴾ (انفطار؛ ۸۲:۲) آن گاه که ستارگان بپراکنند.

۲. ﴿وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ﴾ (تکویر؛ ۸۱:۶) و آن گاه که دریاها در هم ریزند.

۳. ﴿وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ﴾ (انفطار؛ ۸۲:۳) آن گاه که دریاها در هم ریزند.

۳. ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (جمعه؛ ۶۲:۴) این دهش خداست، به هر کس که خواهد دهد، خداوند آن دهش‌ده بزرگ است.

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ﴾ (بقره؛



در ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ﴾ (ق؛ ۵۰:۲۰) شاخ دمند، این همان روز بیم است.

ه. ﴿وَآتَيْنَا عِيسَىٰ بَنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ﴾ (بقره؛ ۲:۸۷) و به عیسی پسر مریم نشانه‌های روشن دادیم و او را به روان پاک نیرو بخشیدیم.

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ (شعراء؛ ۲۶:۱۹۳) آن روان استوار فرود آوردش.

﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ﴾ (معارج؛ ۷۰:۴) فرشتگان و آن روان در آن فراز روند.

﴿فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (حجر؛ ۱۵:۲۹) پس چون بیارایم‌اش و از روان خویش در او بدمم برای وی به خاک افتید.



## پیشنهاد

این جانب که سال‌های ۱۳۶۷ تا پایان ۱۳۶۹ به مدت سه سال متصدی دارالقرآن‌الکریم مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی در قم بودم، کتباً از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درخواست نمودم، از تمامی ناشران خواسته شود قبل از چاپ قرآن مجید، خط مورد نظر را به وزارت‌خانه ارسال دارند و گروه متخصصی آن را بررسی کنند و پس از تأیید صحت انطباق خط مورد نظر با مصاحف معتبر و صدور اجازه چاپ و نشر، آن‌گاه ناشران به چاپ قرآن مجید اقدام نمایند و بحمدالله این آرزو تحقق یافت و با نهایت افتخار می‌توان قرآنهای منتشره را در تمامی ممالک اسلامی عرضه نمود.

اکنون پیشنهاد می‌شود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رسماً به تمامی ناشران اعلام نماید همچنان‌که چاپ هر نوع خط قرآن، منوط به اجازه این وزارت‌خانه می‌باشد، چاپ هر نوع ترجمه نیز مشروط به بررسی و تصویب گروه متخصص این وزارت‌خانه باشد و به جای آنکه پس از انتظار و تحمل سرمایه‌عظیم و کمرشکن، نقدها و نظرخواهی‌ها منتشر شود، این عمل قبل از چاپ و نشر انجام پذیرد. ناشر موظف باشد ترجمه مورد نظر را در پنج نسخه، به وزارت‌خانه ارسال کند تا نقدهای تخصصی و فنی ابتدائاً توسط عالمان و ادیبان قرآن‌شناس و آشنا به مفاهیم عالیه آیات الرحمن انجام پذیرد و نهایتاً ترجمه‌ای پاک و مطلوب و خالی از هرگونه اعمال سلیقه‌های شخصی و یا اشکالهای فنی غیرعمدی که با هدف‌های والای ترجمه آیات نورانی رب‌العزه مغایرت دارد، در اختیار عامه مردم قرار گیرد.



ز. ترجمه مصطلحات و امثال قرآنی کاری است خطا و دورکننده خواننده از مقصود اصلی آیات؛ مترجم باید مقصود را بنگارد و یا از خود کلمات قرآن استفاده کند

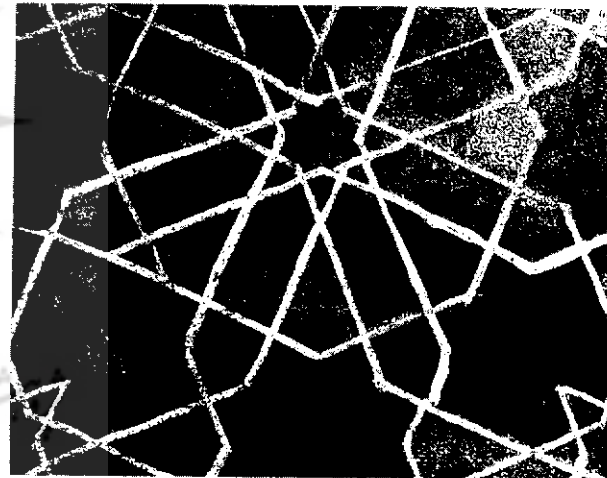
الف. ﴿مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا﴾ (هود؛ ۱۱:۵۶)  
جنبنده‌ای نیست جز آنکه موی پیشانی‌ش هم به دست اوست.

ب. ﴿وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ (حجر؛ ۱۵:۸۷) ما به تو هفت دوگان را و قرآن بزرگ را داده‌ایم.

ج. ﴿وَ لَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ \* عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ \* عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ﴾ (نجم؛ ۱۳:۵۳-۱۵) باری دیگر نیز بدیدش \* در پیش سدرین پایانه \* پردیس آرامش در آنجاست.

د. ﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ﴾ (حج؛ ۱۱:۲۲) از مردم کس است که در پرستش خدای بر لبه است.

هـ. ﴿قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ﴾



تَنْكِبُونَ﴾ (مؤمنون؛ ۲۳:۶۶) نشانه‌های مرا بر شما می‌خوانده‌اند و به پاشنه‌های خویش بازمی‌گشتید.

و. ﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ﴾ (حج؛ ۲۲:۱۵) آن که پندارد خدا در این گیتی و سرای پسین، هرگز یاریش نکند، ریسمانی به سقف کشد و آن‌گاه دم ببرد بنگرد آیا تیرنگ او خشمش را ببرد؟

ز. ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ﴾ (انعام؛ ۶:۱۲۵) خداوند هر که را که راهنمایی‌اش خواهد، سینه‌اش را برای اسلام بازگشاید و هر که را که گمراهی‌اش خواهد، سینه‌اش را تنگ تنگ کند گویی به آسمان بر شود.